

مسجد تاریخی سنگ‌بست برگی نواز معماری غزنوی

حسین عباس‌زاده^۱، هایده خمسه^{II}، محمد مرتضایی^{III}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NBSH.2019.17240.1807

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۸۹-۳۰۶

چکیده

شهر تاریخی سنگ‌بست در مجاورت روستای سنگ‌بست در شمال فریمان واقع شده است. با عنایت به ارزشمند بودن این مجموعه تاریخی، این نخستین پژوهش نظام‌مند باستان‌شناسی است که تاکنون انجام پذیرفته است. اهمیت و وسعت محوطه ایجاب می‌کند که انجام پژوهش باستان‌شناسی در یک بنای مشخص از این مجموعه وسیع، با هدف معلوم انجام شود؛ بنابراین، مهم‌ترین بنای این شهر منحصربه‌فرد تاریخی، یعنی مسجد جهت انجام گمانه‌زنی جهت بررسی ویژگی‌های معماری آن انتخاب گردید. طبق شواهد و اطلاعات موجود در متون تاریخی این مسجد در زمانی ساخته شده است که سبک معماری خراسانی رو به افول و سبک معماری ایرانی رازی رو به گسترش بود؛ لذا ضرورت داشت به این پرسش پاسخ داده شود که مسجد سنگ‌بست با تفکر معماری شیوه خراسانی ساخته شده یا شیوه رازی؟ و یا ترکیبی از هر دو سبک در آن اجرا شده است؟ این پژوهش به روش توصیفی تاریخی-تحلیلی، مبتنی بر کاوش‌های باستان‌شناسی و مستندات و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است؛ گمانه‌های واقع در ضلع جنوبی و قبله مسجد نشان‌داد مسجد مذکور دارای یک ایوان با جرزهای قطور و رفیع و شبستانی در طرفین آن است. در مقابل محراب، منبر مسجد قرار دارد که احتمالاً منبر قرون اولیه اسلام تخریب شده و در قرن ۸ ه.ق. منبری جدید با مصالح آجر و گچ ساخته شده است. به نظر می‌رسد مسجد تاریخی سنگ‌بست تا اوایل دوره صفوی که رو به افول گذاشته، بارها مرمت شده است. ویژگی‌های معماری پلان بنا نشان می‌دهد که شباهت به آثار شیوه خراسانی دارد، اما تزئینات کتیبه‌های کوفی گچ‌بری، و کوفی آجرتراشی، تعیین‌کننده اصالت معماری ایرانی سبک رازی است؛ لذا می‌توان مسجد تاریخی سنگ‌بست را بنایی از دوران گذر از معماری سبک خراسانی به رازی دانست.

کلیدواژگان: سنگ‌بست، فریمان، معماری غزنوی، مسجد سنگ‌بست، ارسلان جاذب.

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

II. استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران (نویسنده مسئول).

hkhamseh72@yahoo.com

III. دانشیار گروه باستان‌شناسی دوران اسلامی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری تهران، ایران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «حسین عباس‌زاده» تحت عنوان: «مسجد تاریخی سنگ‌بست حلقه انتقال سبک خراسانی به سبک رازی» است.

مقدمه

معماری ایران از دوره غزنوی دچار تحول و دگرگونی شد و به تبعیت از شرایط سیاسی اجتماعی کشور از دوران فطرت خود خارج شد. این امر بیشتر در زمان «سلطان محمود غزنوی» سرعت پیدا کرد. معماری تحت تأثیر اعراب در ایران کم‌رنگ می‌شود و ایرانیان با نگاه به معماری تاریخی و ارزشمند گذشته در صدد پایه‌گذاری و بنیان‌گذاری معماری و هنر نوینی هستند که بر ستون هنر معماری ایران قبل از اسلام استوار شد. رفتار حکام عرب باعث شد ایرانیان با حفظ آئین آسمانی اسلام، استعداد‌های بالقوه و بالفعل ایران را در خدمت رشد و توسعه اسلام قرار دهند.

این پژوهش با اهداف متعدد و جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی انجام گرفت که در ادامه اشاره می‌شود. مطالعات باستان‌شناسی در حوزه معماری دوره غزنوی و قرن چهارم هجری قمری در ایران بسیار اندک و تقریباً نزدیک به صفر است. از آنجایی که نتایج مطالعات باستان‌شناسی بدون شک مستندترین اطلاعات در شناخت کلی در همه حوزه‌های تاریخی می‌باشد و تکمیل‌کننده اطلاعات تاریخی و منابع مکتوب می‌باشد، انجام این پژوهش با کاوش باستان‌شناسی ما را به اهداف مورد نظر می‌رساند.

هدف نخست از انجام این پژوهش، کسب اطلاعات کامل‌تری از معماری دوره غزنوی است که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته و اقدامی در این راستا صورت نگرفته است. هدف دوم، بررسی صحت تعلق این مسجد به اواخر قرن چهارم هجری قمری که ارسالان جاذب حاکم خراسان دستور ساخت آن را داده است.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: از دیگر اهداف این پژوهش بررسی سبک ساخت مسجد و تعیین تعلق آن به نیمه دوم قرن چهارم هجری قمری تا به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که این مسجد در زمانی طراحی و اجرا شده که سبک خراسانی تداوم داشته یا این که براساس سبک رازی ساخته شده است؟ یا اثری است متعلق به دوران گذر از سبک خراسانی به رازی؟

به‌طور کلی سبک خراسانی در محدوده زمانی قرون اولیه اسلامی و محدوده جغرافیایی خراسان بزرگ شکل گرفته و دارای ویژگی‌های خاصی است که عبارتند از: سادگی در طراحی، مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، استفاده از مصالح بوم‌آورد، پلان شبستانی و ستون‌دار. این ویژگی‌ها در آثار محدودی که از سبک خراسانی باقی مانده‌اند به خوبی مشهود است؛ به‌طور کلی، ویژگی‌ها و عناصر معماری سبک رازی به نوعی معماری با شکوه و غنی از جهت تزئینات و مفاهیم هنری را نشان می‌دهد که برگرفته از تحولات سیاسی-اجتماعی جامعه آن روز است.

روش پژوهش: این پژوهش به روش توصیفی تاریخی-تحلیلی مبتنی بر کاوش‌های باستان‌شناسی و مستندات و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است؛ و هدف نهایی از انجام این پژوهش باستان‌شناسی این بوده است که با نتایجی که از آن حاصل می‌شود، بستری ایجاد شود برای تداوم فعالیت‌های باستان‌شناسی در سال‌های آینده و در نهایت این مجموعه تاریخی پتانسیل بالقوه تبدیل شدن به یک پایگاه پژوهشی ملی و جهانی را به بالفعل تبدیل نماید.

پیشینه پژوهش

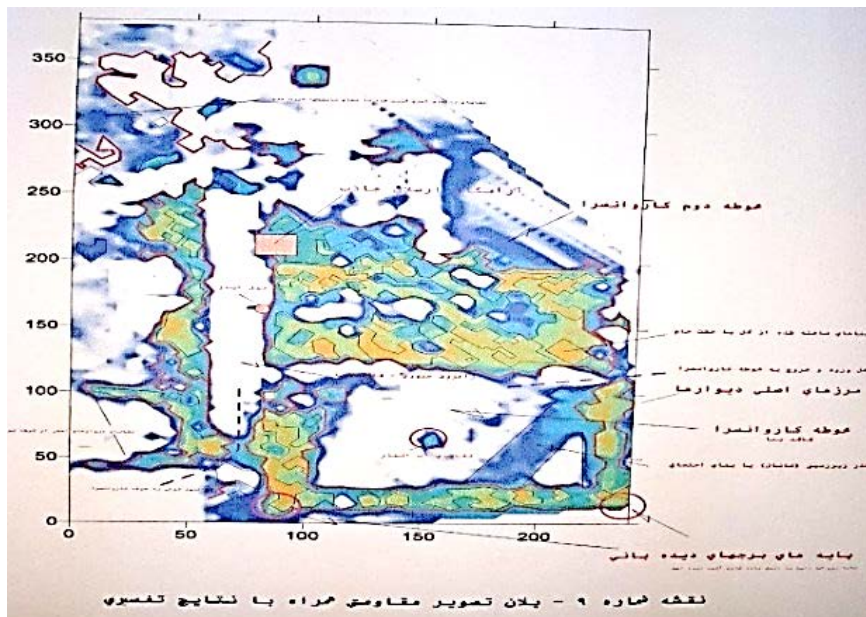
در ارتباط با معماری دوره غزنوی، به خصوص در داخل مرزهای سیاسی فعلی ایران با کمبود اطلاعات مواجه هستیم؛ به دلیل عدم انجام مطالعات باستان‌شناسی و پژوهش‌های مدون در این زمینه، اطلاعات موجود محدود به منابع کتابخانه‌ای و آثار معماری واقع در سرزمین بلخ و غزنین (افغانستان) است. در این خصوص در منابع معماری اسلامی ویژگی‌های معماری این دوره به طور مختصر ذکر شده است؛ از جمله در کتاب‌هایی که به بررسی تاریخ و هنر ایران در قرون اولیه اسلامی پرداخته است (ایتینگهاوزن و بمباچی، ۱۳۷۶: ۸۰-۸۳؛ آرتور پوپ، ۱۳۸۷: ۱۴۸۷-۱۵۹۲).

در خصوص سنگ‌بست، اغلب مطالعات کتابخانه‌ای و بازدیدهای کارشناسان در طول دهه‌های اخیر صورت گرفته است. در طی سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۰۵ ه.ش. «آرتور پوپ» از سنگ‌بست برای اولین بار بازدید می‌کند که نتیجه آن ثبت اثر با شماره ۱۶۴ در فهرست آثار ملی کشور بوده است. «تقی بینش» مقبره و مناره ارسلان جاذب را در سنگ‌بست توصیف کرده و در تلاشی ناموفق برای خواندن کتیبه زیر گنبد، متن کتیبه را تکرار کلمه «محمود» دانسته است (بینش، ۱۳۵۲: ۶۹).

در سال ۱۳۵۷ ه.ش. -۱۹۷۹ م.، آقا و خانم «سوردل» کتیبه زیر گنبد مقبره ارسلان را آیه‌ای از آیات قرآن معرفی می‌کند، ولی شماره آیه در مقاله مذکور به اشتباه نوشته شده است (Sourdel & Sourdel, 1979: 108). «مهدی غروی» ضمن توصیف بنای مقبره ارسلان جاذب، معتقد است بنای اولیه با توجه به شکل پلان احتمالاً آتشکده بوده است (غروی، ۱۳۵۶: ۱۵۳-۱۰). «مهدوی» در مقاله‌ای به توصیف بنا و موقعیت سیاسی ارسلان جاذب پرداخته است (مهدوی، ۱۳۷۹: ۱۳۱).

در سال ۱۳۷۸ ه.ش. برای اولین بار برنامه گمانه‌زنی باستان‌شناسی تعیین حریم محوطه شهر تاریخی سنگ‌بست فریمان توسط «حسین عباس‌زاده» با هدف تعیین حریم محوطه انجام شد. در نتیجه این گمانه‌زنی دو قبرستان دفن تاریخی در مجاورت دیوار کارخانه سنگ‌بری آستان قدس رضوی و مجاورت شمالی جاده آسفالت سنگ‌بست به سرخس آشکار شد (عباس‌زاده، ۱۳۷۸).

در سال ۱۳۸۴ ه.ش. مطالعات ژئوفیزیک در بخشی از محوطه شهر تاریخی سنگ‌بست انجام شد. نتایج این مطالعات دقت لازم را در نشان دادن شواهد معماری در لایه‌های زیر زمین نداشت. این مطالعه بر روی کاروانسرا، بازار و بنای اصطبل مجموعه انجام شد و محدوده مسجد از این مطالعات مستثنی بود. در این مطالعات تاحدودی حیاط که عارضه معماری ندارد، مشخص ولی نتایج آن در نشان دادن آثار معماری در عمق ۱٫۵ و ۴ متری مخدوش و مبهم است (تصویر ۱). در سال ۱۳۸۴ ه.ش. مستندنگاری و برداشتی از بنای مقبره، میل و محوطه شهر تاریخی سنگ‌بست توسط «ابراهیم‌نیا» انجام شده است. مجموعه تاریخی سنگ‌بست در پروژه تحقیقاتی به عنوان پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته؛ عموماً این پژوهش براساس شواهد سطحی بوده و در آن کاوش باستان‌شناسی مبنای پژوهش نبوده است؛ درواقع، به توصیف وضعیت موجود و یا مقایسه آن‌ها با آثار مشابه پرداخته‌اند (موسی‌تبار، ۱۳۹۱)؛ هم‌چنین



تصویر ۱. مطالعات ژئوفیزیک محوطه شهر تاریخی سنگ‌بست سال ۱۳۸۴ ه.ش. (آرشیو اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان رضوی). ◀

در مقالاتی نیز به بازنگری پلان مقبره ارسلان جاذب و مناره ایاز و مستندنگاری و ترسیم جزئیات طرح تزئینات آجرکاری و گچ‌بری پرداخته شده و کتیبه‌های موجود بازخوانی شده‌اند (صالحی و موسی‌تبار، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۰۳؛ موسی‌تبار و صالحی، ۱۳۹۴: ۱۱-۲۴).

پژوهشی جامع در قالب بررسی باستان‌شناختی مجموعه سنگ‌بست صورت گرفته است که در آن به معرفی و توصیف کامل مقبره پرداخته شده و برای نخستین بار به بافت پیرامون آن اشاره شده است. در این پژوهش، پلانی فرضی از فضای مقابل مقبره با عنوان مسجد سنگ‌بست با استناد به شرایط موجود و تصاویر هوایی ارائه شده است. با توجه به سطحی بودن بررسی و مشاهدات نگارندگان پلان ارائه شده تا قبل از انجام کاوش‌های علمی باستان‌شناختی قابل استناد نیست (موسی‌تبار و صالحی، ۱۳۹۵).

مبانی نظری پژوهش

موقعیت این شهر تاریخی که در نقطه تلاقی شاه‌راه ارتباطی و تجاری شرق به غرب و شمال به جنوب است، خود دلیل بر اهمیت این مجموعه تاریخی است. برای این‌که به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر بررسی جایگاه مسجد سنگ‌بست در دوره گذر از سبک خراسانی به رازی پاسخ داده شود، لازم است ابتدا ویژگی‌های سبک معماری خراسانی و رازی را واکاوی شود.

سبک خراسانی در خراسان بزرگ و در دوران حکومت اعراب بر ایران، مبتنی بر اندیشه‌های اسلام با تأکید بر پرهیز از بزرگ‌نمایی و عظمت شاهانه و کاملاً ساده ساخته می‌شد. در ساخت مساجد، الگوی آن‌ها مسجدالنبی در مدینه و اغلب شبستانی است. برخلاف سبک رازی در این سبک، ایوان، گنبد و حیاط مرکزی نقش کم‌رنگی دارد. بناها ساده و فاقد تزئینات خاص بودند، اما در سبک رازی حاکمیت

هنر و معماری ایران قبل از اسلام مشهود است. بناها باشکوه و جلالی شاهانه، با تنوع پلان و تزئینات فاخر و در عین حال پیچیده گچ‌بری، آجرتراشی و آجرکاری همراه است.

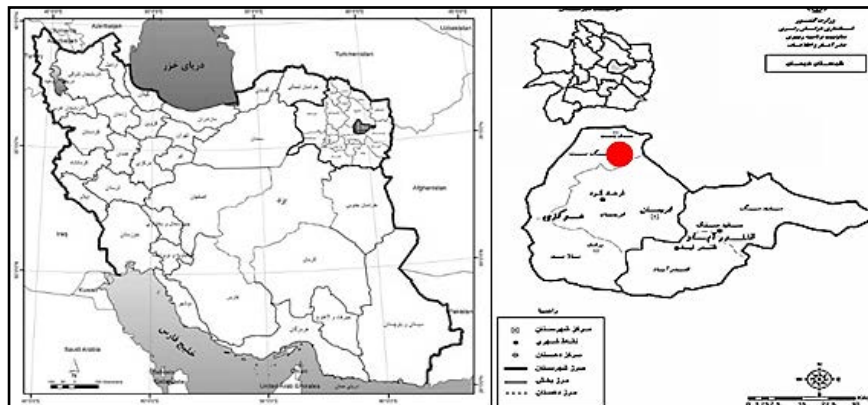
اهمیت مسجد در معماری اسلامی

مساجد از اجزای اصلی هر شهر اسلامی هستند. اهمیت مسجد و ضرورت وجود آن در شهر در اوایل دوران اسلامی بیشتر از هر موضوعی خود نمایی می‌کرد. زمانی که اسلام بر ادیان خاورمیانه غلبه کرد لازم بود بیش از هر اثری مورد توجه قرار گیرد. ساخت مساجد به عنوان خدای خانه بر جایگاه بناهای مهم مذهبی قبل، نشان می‌دهد که اهمیت و احترام بناهای قبل در افکار عمومی باید به مساجد انتقال می‌یافت تا بتواند نقش مؤثرتری را در انتشار و تثبیت اسلام ایفا کند. بی‌شک مساجد مهم‌ترین اندام و هسته مرکزی هر شهری بودند و در اطراف آن عناصر اصلی دیگر تشکیل دهنده شهر که عموماً بناهای عام‌المنفعه، مذهبی، تجاری، سیاسی و خدماتی استقرار می‌یافت. مساجد در اوایل اسلام، کارکرد چندگانه داشت؛ نقش سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مساجد در جوامع اوایل اسلام، موجب اهمیت این اثر مذهبی گردیده بود. مساجد در نقش رسانه در صف مقدم ارتباط با مردم، محل انجام مناسک مذهبی و آموزش عمومی آن، اعلام و ابلاغ فرمان‌های سیاسی و اطلاع‌رسانی عمومی بود. شکل و فرم مساجد و مصالح آن در اوایل اسلام بسیار ساده بود.

به مرور زمان، اسلام با تأثیر از تمدن‌ها و جوامع منطقه‌ای که تحت لوای خود قرار داده بود، توانست به مساجد شکوه و عظمت و تزئینات متنوع معماری را هدیه کند. عموماً مراکز و شهرهایی که در مسیر ارتباطات بود، همیشه از مظاهر تمدنی پیشرفته‌تری برخوردار و محل تضارب آراء و تکنولوژی بود. شهر تاریخی سنگ‌بست نیز به جهت اهمیت جغرافیایی و منطقه‌ای خود از این موضوع بهره برده و در آن بناهای مهم مذهبی، تجاری و مسکونی شکل‌گرفت تا بتواند پاسخ‌گوی نیاز جمعیت کثیر مسافرانی باشد که همواره بین شرق و غرب در حرکت بودند. آن‌چه از نتایج فصل اول کاوش در مسجد شهر تاریخی سنگ‌بست به دست آمد، نوید کشف و ارائه مجموعه‌ای غنی از معماری و تزئینات وابسته به آن مربوط به دوره غزنوی در آینده را می‌دهد، که محقق خواهد شد.

موقعیت جغرافیایی سنگ‌بست فریمان

روستای سنگ‌بست در شمال شهرستان فریمان، در فاصله ۳۷ کیلومتری از مرکز شهرستان، به طول جغرافیایی "35° 59' 33.00" و عرض جغرافیایی "43.16' 46' 59"، و ارتفاع ۱۱۱۵ متر از سطح دریا واقع شده است (تصویر ۲). بنابر نوشته مورخین و سفرنامه‌نویسان قرون میانه اسلامی، سنگ‌بست محل عبور کاروان‌های بازرگانی و منزل معروفی بین نیشابور و سرخس بوده است (سمعانی، ۱۳۸۲: ۲۵۹؛ حموی، ۱۳۵۶: ۱۱۲؛ ظهیری نیشابوری، ۱۳۳۲: ۱۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۳: ۱۴۶؛ ذهبی، بی‌تا: ۳۸۸).



تصویر ۲. موقعیت جغرافیایی سنگ‌بست
(سالنامه آماری استانداری خراسان رضوی
۱۳۹۰).

این منطقه از قرون اولیه اسلامی - به‌ویژه در قرون میانه - به دلیل موقعیت جغرافیایی و واقع شدن آن بر سر راه جاده کاروان روی مرو، هرات، توس و نیشابور، اهمیت فراوانی داشته است. امروز نیز به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم، راه‌های ترانزیتی، نزدیکی به راه آهن و خطوط نفت و گاز، بستر توسعه صنعتی و بارانداز کالا در شرق استان خراسان رضوی محسوب می‌شود.

از دیگر دلایل اهمیت امروزه منطقه سنگ‌بست، وجود میل و مقبره‌ای منسوب به ارسلان جاذب، والی توس (در دوره غزنوی) اشاره کرد. ذکر ساخت‌وساز و آبادانی‌های وی در سنگ‌بست و توس در گزارش‌های مورخین آمده است (مینوی، ۱۳۸۶: ۳۱۲)؛ ولی هنوز شواهدی مبنی بر اثبات این ساخت‌وسازها به دست نیامده است. قابل ذکر است که اهمیت منطقه تا بدان حد بوده است که «دولت‌شاه سمرقندی» در کتاب خود آورده: «امیر علیشیر نوایی در قرن نهم هجری قمری زمانی که رباط ارسلان جاذب رو به ویرانی گذاشته بود در نزدیکی رباط قدیمی ارسلان جاذب، کاروانسرای جدیدی احداث می‌کند» (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۱۷۶).

مجموعه تاریخی سنگ‌بست

مجموعه تاریخی سنگ‌بست به لحاظ موقعیت جغرافیایی خاص خود همواره در طول دوران اسلامی مسکونی و آباد بوده است؛ اگرچه فراز و نشیب‌های تاریخی و اتفاقات مثبت و منفی که همواره کشور ایران با آن روبه‌رو بوده در این موضوع نقش ویژه‌ای دارد. اما در تمام دوران تاریخی همواره ارتباطات وجود داشته و سنگ‌بست جایگاه ویژه‌ای در مسیر جاده ابریشم داشته است. گذشت زمان و عوامل مختلفی که البته نباید از تغییرات آب‌وهوایی غافل شد، باعث جابه‌جایی مجموعه تاریخی سنگ‌بست شده است. امروزه از شواهد سطحی، سه بخش متفاوت را در سنگ‌بست شاهد هستیم.

بخش نخست، بخش شرقی شواهد معماری است که مربوط به قرون اولیه اسلامی تا پایان قرن ششم هجری قمری است. این بخش شامل: مسجد، دو کاروانسرا، بازار، فضای مربع‌شکلی که به نظر سکونت‌گاه کاروانیان و اصطل بوده است. در کنار آن و در ضلع جنوبی، بخش مسکونی مردم آن مشهود است.

بخش دوم، بخش میانی فضای شهری بزرگ به ابعاد حدود ۲۰۰×۴۰۰ متر است که دارای پلان متسطیل شکل حصاری با حدود ۲۰ برج و خندقی در اطراف آن است که عمدتاً با مصالح خشت و گل ساخته شده است. این بخش، شهر جدیدی است که بعد از حمله مغولان با افزایش جمعیت با حصارهای دفاعی مستحکم بنا نهاده شده و احتمالاً از اواخر قرن هفتم هجری قمری به بعد رونق داشته است، به نظر می‌رسد بخش نخست و قدیمی‌تر هنوز از رونق نیفتاده و نقش تجاری خود را تا پایان قرن نهم هجری قمری حفظ کرده است.

بخش سوم، بخش غربی جابه‌جایی جدیدی است که در شهر سنگ‌بست رخ داد که از دوره صفوی شروع می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که بخش اول و قدیمی از دوره صفوی رو به ویرانی گذاشته و متروکه می‌شود، ولی بخش دوم تا پایان دوره صفوی رونق قبلی را حفظ می‌کند و از پایان دوره صفویه جمعیت روستا به خارج حصار شهر تیموری منتقل می‌شود که فعلاً محل روستای فعلی سنگ‌بست است (تصویر ۳). «سیف‌الدوله» یکی از سیاحان دوره قاجار در ۱۲۷۹ ه.ق. است؛ وی ضمن شرح موقعیت جغرافیایی و مسیرهای منتهی به مشهد که به واسطه وجود بارگاه امام رضا علیه‌السلام دارای اهمیت و اعتبار بوده نوشته: «برای حرکت از مشهد به هرات اول، جایی است موسوم به سنگ‌بست. خود سنگ‌بست آبادی ندارد، مگر رعیت قلیلی؛ آن‌ها هم در کاروانسرای شاه‌عباس منزل دارند. بعضی خرابه‌ها مناره داشت، ولی آبادی نبود» (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۳۲۱).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، شهر تاریخی سنگ‌بست شامل مجموعه‌ای از: مسجد، کاروانسرا، بازار، آرامگاه ارسلان جاذب، میل ارسلان، اصطبل و محوطه مسکونی مردم‌نشین در ضلع جنوبی مربوطه به قرون چهارم و پنجم هجری قمری و نیز شهر جدید مغولی مربوط به قرون هفتم تا نهم هجری قمری است که با پلان مستطیل و متفاوت ساخته شده است. وجود این آثار ارزشمند نشان‌دهنده اهمیت این منزل‌گاه تاریخی، آبادانی و رونقی است که در خراسان آن‌روزگار (قرن چهارم هجری قمری) برقرار بوده است.



► تصویر ۳. سه دوره تاریخی جابه‌جایی سنگ‌بست (Google, Earth, 2015).

مهم‌ترین بخش این مجموعه تاریخی، مسجد جامع آن است که محور مطالعات باستان‌شناسی در این پژوهش قرار گرفته است. در ادامه به توصیف نتایج حاصل از فصل اول کاوش در این بنا پرداخته شده است.

ساختار مسجد تاریخی سنگ‌بست

مسجد این مجموعه در مرکز بخش تاریخی واقع شده است. در پشت دیوار ضلع جنوبی مسجد (حذف: بخش مردم‌نشین و مسکونی) شهری با برج و بارو و خندقی پیرامون آن قرار گرفته، در شمال مسجد، کاروانسرا و در ضلع شرق بازار شهر واقع شده است. این مسجد با وجود تخریب کامل و آسیب‌هایی که در طول چهارصد سال گذشته بر اثر مداخلات انسانی به آن وارد شده است، شکل کلی خود را حفظ کرده است. عکس‌های ماهواره‌ای موجود مسجد را پلان مستطیل‌شکل و حیاط مرکزی و ته‌رنگی از ایوانی در ضلع قبله نشان می‌دهد. در طرفین ایوان جنوبی سه ردیف ستون چهارتایی دیده می‌شود و در طرفین شرقی و غربی حیاط در ردیف ستون شبستان‌های سرپوشیده این مسجد بوده‌اند. در گوشه شمال شرقی، مقبره ارسلان جاذب، حاکم خراسان و آبادکننده سنگ‌بست قرار دارد و احتمالاً بعد از مرگش در همین مسجد که دستور ساختش را خود وی صادر کرده، دفن شده است (تصویر ۴).

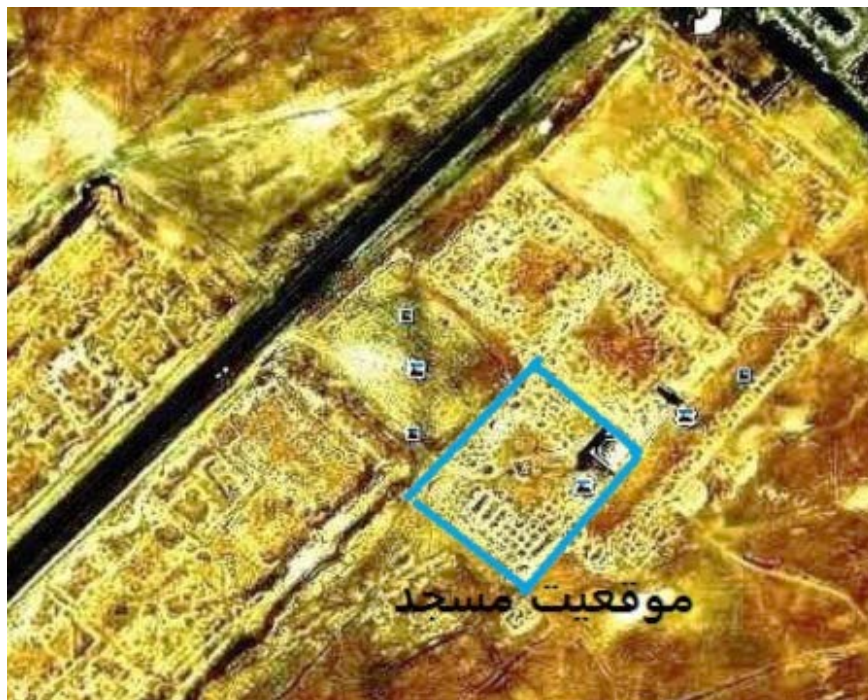
این بنا تاکنون قدیمی‌ترین بنای اسلامی خراسان واقع در جغرافیای سیاسی ایران کنونی است. شواهد قابل‌مشاهده در عکس‌های ماهواره‌ای به جهت حفاری‌های صورت‌گرفته که برای به دست آوردن آجرهای سالم آن انجام شده، در ضلع شمالی اثری از ایوان نشان نمی‌دهد. به نظر می‌رسد ضلع شمالی، همانند ضلع جنوبی، سه‌ردیف ستون در جهت شرقی-غربی وجود داشته که با حذف ایوان شش‌ستون بیشتر از ضلع جنوبی، یعنی ۱۸ ستون داشته است (تصویر ۴).

این توضیحات براساس شواهد و عوارض سطحی باقی‌مانده در عکس‌های هوایی است، اما برای اظهارنظر دقیق‌تر علمی نیاز به کاوش علمی باستان‌شناسی بود تا با مستندات واقعی و عینی بتوان پلان و فرم معماری این مسجد را تفسیر کرد. پژوهش باستان‌شناسی انجام‌شده، بیشتر برای شناخت عناصر و ویژگی‌های معماری مسجد سنگ‌بست انجام شد که در ادامه نتایج آن ارائه خواهد شد (تصویر ۵).

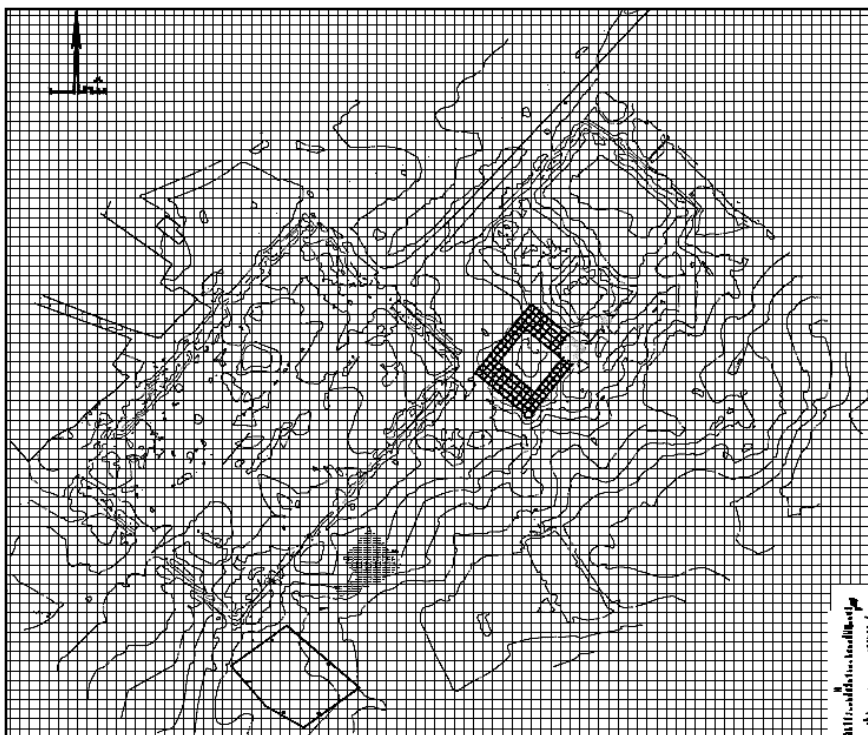
مطالعات باستان‌شناسی مسجد سنگ‌بست

هنر و معماری ایران در قرن چهارم هجری قمری به لحاظ گستردگی در پهنه‌های سیاسی، دارای تنوع و غنی فراوانی است. دوره غزنوی، دوره شروع شکوفایی این هنر بعد از حمله اعراب است. مجموعه تاریخی سنگ‌بست با وجود اهمیت فراوان خود یکی از شهرهای تاریخی این دوره است که در حدود جغرافیایی ایران فعلی اهمیت دوچندان دارد.

مسجد جامع سنگ‌بست، مهم‌ترین بنای این مجموعه است که از لحاظ معماری و تزئینات می‌تواند به عنوان شاخص مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد و رسیدن به پاسخ پرسش‌ها را تسهیل نماید.



► تصویر ۴. موقعیت مسجد در شهر تاریخی سنگ‌بست (Google Earth, 2011).



► تصویر ۵. نقشه توپوگرافی مجموعه سنگ‌بست (نگارندگان، ۱۳۹۶).

چنان‌که گفته شد از اهداف پژوهش، علاوه بر کسب اطلاعات بیشتر و مستند از معماری این دوره، رسیدن به پاسخ این پرسش است که جایگاه مسجد سنگ‌بست در زمان انتقال سبک خراسانی به رازی کجاست؟ تحولات سیاسی اجتماعی که از اواخر حکومت سامانیان شروع شده بود در دوره غزنوی تأثیر خود را در هنرها، از جمله معماری نشان داد.

موقعیت این شهر تاریخی که در نقطه تلاقی شاهراه ارتباطی شرق به غرب و شمال به جنوب است، احتمالاً باعث تسریع در این تأثیرات هنری گردیده و مسجد سنگ بست بهترین گواه آن خواهد بود.

برای این که به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر بررسی جایگاه مسجد سنگ بست در دوره گذر از سبک خراسانی به رازی پاسخ داده شود، لازم است ابتدا ویژگی‌های سبک معماری خراسانی و رازی را بشناسیم. این دو سبک از نظر زمانی و جغرافیایی و معماری تفاوت‌های اساسی با هم دارند.

سبک خراسانی در خراسان بزرگ و در دوران حکومت اعراب بر ایران مبتنی بر اندیشه‌های اسلام با تأکید بر پرهیز از بزرگ‌نمایی و عظمت شاهانه و کاملاً ساده ساخته می‌شد. در ساخت مساجد الگوی آن‌ها مسجدالنبی در مدینه و اغلب شبستانی است. برخلاف سبک رازی در این سبک ایوان، گنبد و حیاط مرکزی نقش کم‌رنگی دارد. بناها ساده و فاقد تزئینات خاص بودند، اما در سبک رازی حاکمیت هنر و معماری ایران قبل از اسلام مشهود است. بناهایی باشکوه و جلال شاهانه با تنوع پلان با تزئینات فاخر و در عین حال پیچیده گچ‌بری، آجرتراشی و آجرکاری همراه است.

حیاط مرکزی، ایوان و گنبد در معماری اغلب بناها - به ویژه مساجد - بیان‌کننده شکوه معماری ایران است که در خدمت تمدن اسلامی قرار گرفته است.

مسجد تاریخی سنگ بست به جهت موقعیت جغرافیایی و استراتژیک خاص خود قطعاً در طول دوران اسلامی فعال بوده و به دفعات مورد مرمت و بازپیرایی قرار گرفته است. شواهد این امر بر روی لایه‌های اندود کف مسجد کاملاً مشهود است. در بررسی عناصر و ویژگی‌های معماری این مسجد، ارزیابی و تحلیل وضعیت فعلی آن، پیش از کاوش به تنهایی نمی‌تواند راه‌گشا باشد؛ چراکه با استناد به شواهد قابل‌رؤیت در عکس‌های هوایی (قدیم و جدید) و نیز بقایای معماری موجود که به شدت تخریب شده نمی‌توان به پلان دقیق و جزئیات عناصر و فضاهای موجود در آن پی برد.

آن چه مسلم است، به سبب گذر زمان و تخریب‌های صورت گرفته در یک قرن اخیر (برای استفاده از بقایای آجرهای سالم محوطه) تغییرات زیادی در پلان اولیه آن صورت گرفته است؛ لذا مطالعات باستان‌شناسی و گمانه‌زنی می‌تواند نتایج مستند و مبتنی بر واقعیات را ارائه دهد. وضعیت سطح‌الارضی فعلی نشان می‌دهد مسجد دارای حیاطی مرکزی است که ایوانی رفیع در سمت قبله دارد. اکثر بخش‌های مسجد توسط حفاران و تخریب‌گران، دچار دگرگونی و تغییرات زیادی شده است (تصویر ۴).

در پلان مسجد شواهد وجود مناره در طرفیت ایوان جنوبی دیده نمی‌شود. تحلیل این وضعیت نشان می‌دهد که مسجد با پلان شبستانی و ستون دار و احتمالاً مناره‌ای در بیرون از بنا که از ویژگی‌های سبک خراسانی است، ساخته شده است. اما اظهار نظر در خصوص جزئیات بیشتر و تزئینات مسجد نیاز به انجام مطالعات باستان‌شناسی دارد. با توجه به هدف اصلی پژوهش، تمرکز نگارندگان

برروی مطالعه و بررسی ضلع شمالی و جنوبی مسجد معطوف شد تا درنهایت منجر به شفاف‌سازی وضعیت بخشی از ایوان، ضلع مقابل آن و تزئینات احتمالی مسجد گردد.

مطالعات باستان‌شناسی در ضلع جنوبی مسجد نتایج قابل توجهی از وضعیت معماری و تزئینات وابسته به آن دربر داشت؛ از جمله ابعاد و موقعیت قرارگیری جرزها، وجود جرز منحصربه‌فرد که با قطر ۳ متر به صورت دیواری ممتد از ابتدای حیاط تا انتهای دیوار قبله ادامه دارد. گویا این دیوار قطور، طاقی بزرگ و مرتفع را برای فرار خود استوار نگه می‌داشته است؛ در حال حاضر، کمتر از یک متر از جرز مذکور باقی مانده است؛ چراکه بخش اعظمی از آجرهای سالم آن، توسط ساکنین روستای فعلی سنگ‌بست تخریب و جهت ساخت و سازهای جدید از محوطه خارج شده است (تصویر ۶).



نمای جانبی

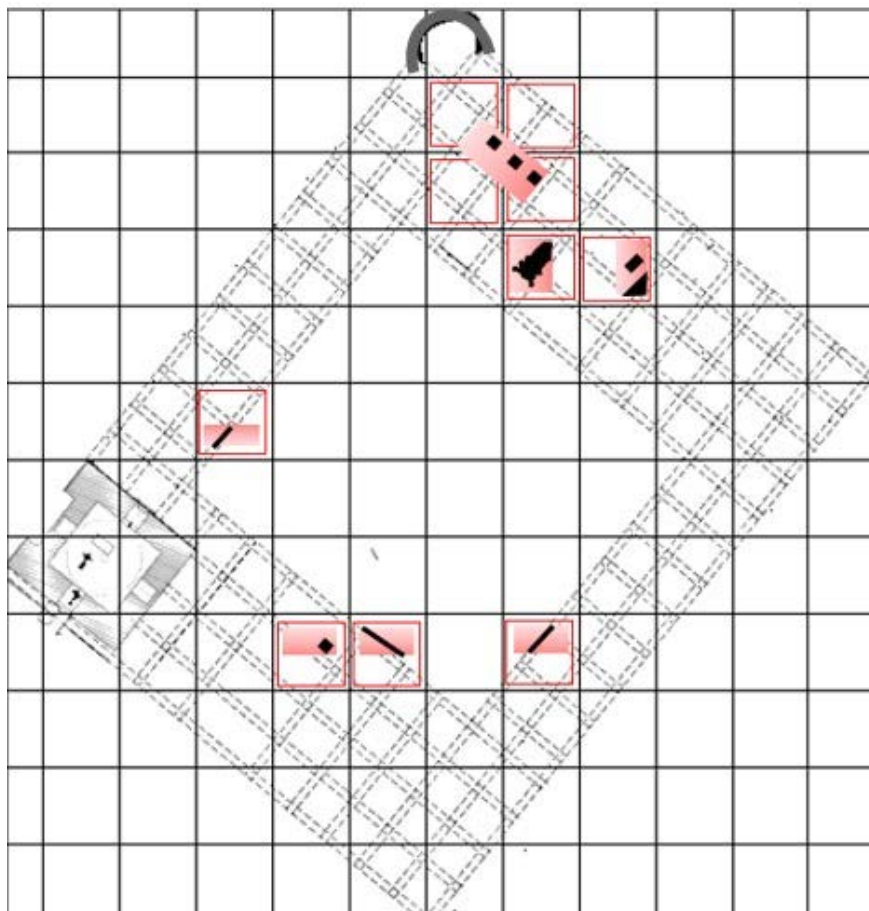
نمای روبرو

بخش مشرف به حیاط

▲ تصویر ۶. نماهای مختلف از جرز بزرگ ایوان (نگارندگان، ۱۳۹۶).

مشابه چنین جرزهای تاکنون در هیچ‌یک از مساجد سبک خراسانی و رازی مشاهده نشده است. عموماً در مساجد سبک خراسانی شناخته شده، جرزهای ایوان دارای فواصلی جهت برقراری ارتباط بین شبستان و ایوان اصلی است؛ مانند آنچه در مسجد جامع فهرج دیده می‌شود (تصویر ۸). در این مسجد ممتد بودن جرز ایوان در نوع خود جدید و منحصربه‌فرد است. جداره بیرونی این جرز طویل با نیم‌ستون‌هایی سه قلو تزئین شده تا از سادگی و شکل دیوارمانند آن کاسته شود (تصویر ۱۰).

اندک تزئینات باقی‌مانده در بدنه پایه‌های جرز، وجود قطعات بسیار زیاد گچ‌بری و کتیبه‌های کوفی ساده از جنس گچ و آجرتراش (تصویر ۹)، حکایت از بنایی دارد که برخلاف مساجد ساده سبک خراسانی با تزئینات بسیار زیبایی مزین بوده است. مساجد ساخته شده در شیوه خراسانی بدون ایوان، شبستانی، ساده و بی‌پیرایه هستند. این در حالی است که مسجد سنگ‌بست، دارای پلان شبستانی ساده است که با ساخت ایوان دچار تغییراتی در ضلع قبله شده است. از دیگر شواهدی که نشان‌دهنده تغییر و تحولاتی در شیوه ساخت و فاصله گرفتن از سبک خراسانی است، تزئینات گچ‌بری زیبایی است که بر روی بدنه جرز و بر روی نیم‌ستون‌های تزئینی متصل به جداره نقش بسته است. این تزئینات، گرچه بسیار ساده و در سطح ابتدایی کار شده، ولی به نوعی تغییر در تفکر سازندگان آن مبنی بر

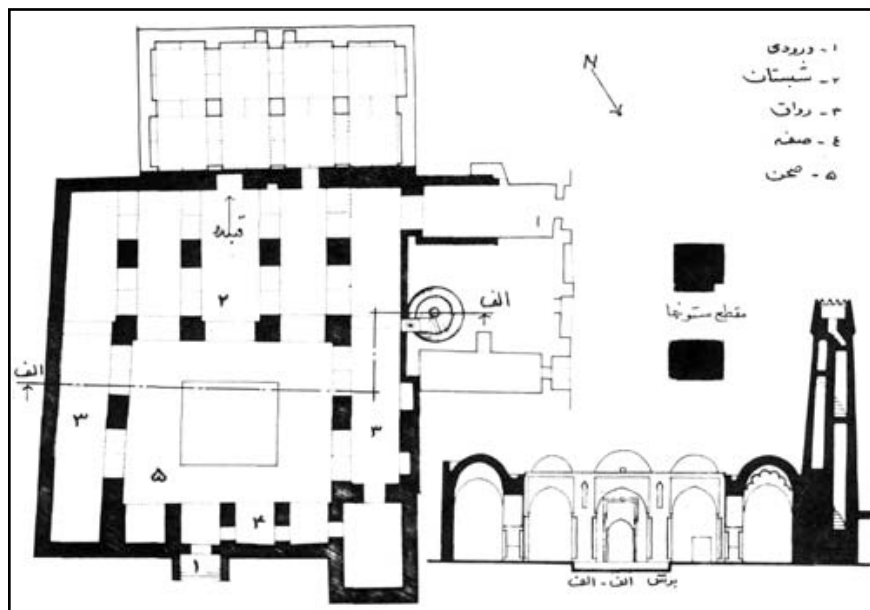


تصویر ۷. پلان مسجد سنگ‌بست (بخشی از عوارض تصویر نگارندگان، ۱۳۹۶).

مراحل تدریجی گذر و فاصله گرفتن از سبک خراسانی به سمت و سوی مساجد سبک آذری را آشکار می‌سازد.

گچ‌بری‌های نمای مشرف به حیاط این جرز بزرگ و طویل با عناصر هندسی و گیاهی (تصویر ۹) مشابه آن‌چه در مسجد نه‌گنبد بلخ مربوط به قرن سوم هجری قمری (تصویر ۱۱) و مسجد لشکری‌بازار متعلق به دوره غزنوی مشاهده می‌شود، مزین شده است. نحوه اجرای نقوش گیاهی و هندسی در این بنا در واقع بیانگر سطح ابتدایی و آغازین همان نقش‌مایه‌هایی است که در بناهای دوره سلجوقی در سطحی وسیع و پیشرفته اجرا شده است.

سطح نیم‌ستون‌های متصل به جرز مذکور با تزئینات بسیار محدود، به شکل شیارهایی ساده که فقط با حرکت انگشتان دست بر روی اندود گچ ایجاد شده، مزین گردیده است (تصویر ۱۰)؛ مشابه این سبک تزئینی در مسجد نه‌گنبد بلخ (تصویر ۱۱)، بدنه میل سنگ‌بست (تصویر ۱۲) و زیر گنبد مقبره ارسلان جاذب دیده می‌شود. از نمای سطح جرزه‌های واقع در شبستان اطلاعی در دست نیست؛ زیرا تخریب‌گران محلی برای استفاده از آجرهای بزرگ و با کیفیت موجود در بنا تمام آجرهای به‌کار رفته در ساخت جرزه‌ها را از جا کنده و منتقل کرده‌اند. حتی یک ردیف آجر باقی‌نمانده و تنها داغ محل جرزه‌ها قابل مشاهده و اندازه‌گیری است.



► تصویر ۸. پلان مسجد جامع فهرج معماری مکشوف (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۳۸).



► تصویر ۹. بقایای تزئینات گچ‌بری و کتیبه‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۶).

در حال حاضر، تنها آجرهای موجود در کف آجر فرش شبستان در جای خود قرار دارند (تصویر ۱۳).

از دیگر شواهد تزئینات بنا، بقایای لایه‌های بسیار نازک اندود گچ منقوش به رنگ‌های قرمز، زرد و آبی لاجوردی بر روی زمینه سفید است. متأسفانه این بخش از تزئینات به دلیل ضخامت بسیار کم دچار تخریب شدید و به بخش‌های بسیار ریزی تقسیم شده‌اند، چنان‌که طرح ترسیم شده بر روی سطوح قابل تشخیص نیست.



تصویر ۱۰. نمای نیم‌ستون‌های تزئینی سه قلو متصل به جرز (نگارندگان، ۱۳۹۶).

شواهد حکایت از وجود نقاشی دیواری بر سطح زیر طاق‌ها دارد؛ مشابه آن چه بر سطح دیواره و زیرطاق‌های مقبره ارسلان جاذب واقع در گوشه شمال غربی مسجد سنگ‌بست دیده می‌شود (تصویر ۱۴). وجود گچ‌بری و اندودهای گچی منقوش از سنت‌های رایج در معماری غزنوی است که هم در بناهای مذهبی و هم بناهای غیرمذهبی اجرا می‌شده است (اتینگهاوزن و بمباچی، ۱۳۷۶: ۷۶-۹۶).

در محدوده مقابل محراب مسجد، بقایای منبر آجری نسبتاً سالمی وجود دارد. مصالح منبر از آجر با ملات گل و اندود گچ است که به نظر می‌رسد این نوع آجرها متعلق به اوایل دوره تیموری و اواخر قرن ۹ ه.ق. باشد. این منبر دارای ۹ پله بوده که بر روی اندود گچی دیواره‌های آن دست‌نوشته‌های یادگاری با خط تحریری زیبا نقش بسته است (تصویر ۱۵). منبر دارای دو ستون تزئینی در طرفین پله اول، شبیه به منبر چوبی مسجد گوهرشاد مشهد متعلق به قرن ۹ ه.ق. است.

با توجه به وجود لایه‌های خاکستر و تیغه‌های نامنظم جداکننده فضا بر روی سطح شبستان، به نظر می‌رسد مسجد در قرون متأخر از رونق افتاده و به عنوان فضایی برای اسکان موقت مورد استفاده ثانویه قرار گرفته است (تصویر ۱۳).

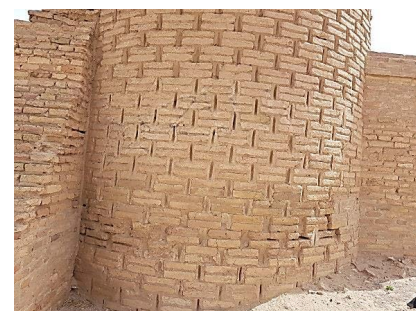


▲ تصویر ۱۱. ستون‌های مسجد نه‌گنبد بلخ (Archnet.org).

نتیجه‌گیری

بررسی و پژوهش در محوطه شهر تاریخی سنگ‌بست نشان می‌دهد که همواره در طول دوران اسلامی مورد توجه بوده و در موقعیت چهارراه تلاقی شاه‌راه ارتباطی شرق به غرب، و شمال به جنوب از رونق خاصی برخوردار بوده است. مسجد این شهر به عنوان مهم‌ترین بنای این مجموعه و نماینده معماری غزنوی، اطلاعات ارزشمندی ارائه می‌کند.

بنای مسجد با استناد به متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری قمری ساخته شده است. به جهت تخریب‌هایی که در قرون متأخر و بعد از متروکه شدن مسجد انجام شده، تشخیص این‌که مسجد



▲ تصویر ۱۲. نمای تزئینات شیاری بدنه میل سنگ‌بست (نگارندگان، ۱۳۹۶).



► تصویر ۱۳. آثار ستون‌های موجود در شبستان مسجد سنگ‌بست (نگارندگان، ۱۳۹۶).



► تصویر ۱۴. نمونه تزئینات نقاشی (نگارندگان، ۱۳۹۶).

تزئینات نقاشی مقبره ارسلان جاذب

بقایای اندود گچ منشور از مسجد سنگ‌بست

در قالب تفکر سبک خراسانی ساخته شده یا سبک رازی کار دشواری است؛ با این‌وجود پلان شبستانی، سادگی بنا و وجود مناره در خارج حیاط مرکزی (گوشه جنوبی) بیانگر ویژگی‌های معماری سبک خراسانی است؛ ولی در عین حال شواهدی که از تزئینات بنا به دست آمده، نشانگر آغاز تغییر و تحولات بنیادی است؛ از جمله تغییرات مشهود می‌توان وجود ایوان در ضلع قبله و اضافه شدن تزئینات گچ‌بری رنگین، نقاشی دیواری، کتیبه‌های گچ‌بری و آجرتراش بر جداره‌های بنا را نام برد. از آنجایی که سبک خراسانی در خراسان بزرگ شکل‌گرفت و رشد کرد، تغییر در این سبک نیز به احتمال زیاد از همین محدوده آغاز گردیده است؛ بنابراین مسجد سنگ‌بست با توجه به موقعیت و اهمیت استراتژیک آن از پیشگامان این تغییر و تحولات بوده است.



تصویر ۱۵. منبر مکشوف در مسجد جامع سنگ‌بست (نگارندگان، ۱۳۹۶). ◀

با توجه به مرکزیت شهرهای غزنه و بلخ در دوره غزنوی و دوره با شکوه حاکمیت «سلطان محمود»، شباهت زیادی در تزئینات گچ‌بری مساجد این شهرها با تزئینات مسجد سنگ‌بست دیده می‌شود. یکی از الگوهای شاخص در تزئینات مساجد در این خطه در دوره غزنوی، مسجد نه‌گنبد بلخ بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت اوایل قرن پنج هجری قمری در خراسان تغییر در ارکان معماری مساجد شروع شده و به تدریج به سایر نواحی کشور توسعه یافته است.

کتابنامه

- ابراهیم‌نیا، مهدی، ۱۳۸۴، «مستندسازی مقبره و میل ایاز». آرشیو نقشه سازمان میراث‌فرهنگی گردشگری خراسان رضوی، مشهد.
- ابن‌اثیر، علی بن محمد، ۱۳۷۳، اللباب فی تهذیب الانساب. جلد ۲، بیروت: انتشارات دار صادر.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر، ۱۳۶۷، الاعلاق النفیسه. بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
- بینش، تقی، ۱۳۵۲، «رابطه معماری حرم با بقعه سنگ‌بست». نشریه آستان قدس، شماره ۳۹، صص: ۶۸-۵۲.
- پوپ، آرتور، ۱۳۸۷، بررسی هنر ایران. جلد ۳، ترجمه نوشین دخت نفیسی، ویراستار: آرتور پوپ و فیلیس اکرم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص: ۱۴۸۷-۱۵۹۲.
- پوپ، آرتور؛ و اکرم، فیلیس، ۱۳۸۷، بررسی هنر ایران. جلد ۸، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص: ۱۴۸۷-۱۵۹۲.
- سمرقندی، دولت‌شاه، ۱۳۸۲، تذکرة الشعرا. مصحح: ادوارد براون، تهران: انتشارات اساطیر.

- صالحی‌کاخکی، احمد؛ و موسی‌تبار، نجمه، ۱۳۹۱، «پژوهشی بر شناخت مجموعه ارسلان جاذب در دوره غزنوی در سنگ‌بست». پژوهش‌های تاریخی، سال ۴۸، دوره جدید، سال ۴، شماره ۱۶، صص: ۱۲۰-۱۰۳.
- ظهیری‌نیشابوری، ظهیرالدین، ۱۳۳۲، سلجوقنامه. تهران: انتشارات کلاله خاور.
- عباس‌زاده، حسین، ۱۳۷۸، «گمانه زنی تعیین حریم سنگ‌بست». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان رضوی، مشهد (منتشر نشده).
- عتبی، محمد بن عبد الجبار، ۱۳۳۴، تاریخ یمینی. ترجمه ابوالشرف ناصح‌بن ظفر بن سعد جرفادقانی، تهران: چاپخانه محمد علی فردین.
- غروی، مهدی، ۱۳۵۶، «سیمرغ سفید (۳)». هنر و مردم، شماره ۱۷۹، صص: ۷-۱۰.
- مطالعات ژئوفیزیک شهر تاریخی سنگ‌بست، ۱۳۸۴، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان رضوی، مشهد (منتشر نشده).
- موسی‌تبار، نجمه، ۱۳۹۱، «بررسی باستان‌شناختی محوطه و مجموعه سنگ‌بست». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه هنر اصفهان (منتشر نشده).
- هیلن براند، روبرت، ۱۳۸۳، معماری اسلامی شکل، کارکرد و معنی. تهران: انتشارات روزنه.
- موسی‌تبار، نجمه، احمد. صالحی‌کاخکی، (۱۳۹۴)، "بازنگری پلان و تزئینات مقبره ارسلان جاذب و میل ایاز در دوره غزنوی"، هنر و تمدن شرق، سال سوم. شماره نهم، صص: ۲۴-۱۱.
- موسی‌تبار، نجمه؛ و صالحی‌کاخکی، احمد، ۱۳۹۵، سنگ‌بست شهری تاریخی از دوران غزنوی. انتشارات فرهنگستان هنر.

- Abbaszadeh, H., 1378, "Speculation on the determination of the sanctuary of Sangbašt". Archive of the General Directorate of Cultural Heritage of Khorasan Razavi Province, Mashhad (Unpublished, in Persian).

- Atabi, M., 1334, *Tarikh Yamini*. Translated by: Abu al-Sharif Nasheben Zafar Bansad Jorfadghani, Tehran: Mohammad Ali Fardin Printing House (in Persian).

- Binesh, T., 1352, "The relationship between the architecture of the shrine and the tomb of Sangbašt". *Holy Aštane Magazine*, No. 39, Pp: 68-52 (in Persian).

- Ebrahimnia, M, 2005, "Documenting the Tomb and the Mill Ayaz". Map Archive of Khorasan Razavi Tourism Cultural Heritage Organization, Mashhad (in Persian).

- Geophysical studies of the historical city of Sangbašt, 2005, Archive of the General Administration Cultural Heritage of Khorasan Razavi Province, Mashhad (Unpublished, in Persian).

- Gharavi, M., 1356, "The White Phoenix (3)". *Art and People*, No. 179, Pp: 10-7 (in Persian).
- Helen Brand, R., 2004, *Islamic architecture: form, function and meaning*. Tehran: Rozane Publications (in Persian).
- Ibn Raṣṭa, A., 1988, *Al-Aaq Al-Nafisa*. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi Publications (in Persian).
- Ibnathir, A., 1373, *Al-Labab in the refinement of genealogy*. Vol. 2, Beirut: Sader Publications (in Persian).
- Musa Tabar, N. & Salehi Kakhki, A., 2015, "Review of the pan and decorations of the tomb of Arsan Jazeb and Mill Ayaz in the Ghaznavid period". *Art and Civilization of the East*, Vol. 3, No, 9, Pp: 11-24 (in Persian).
- Musitbar, N., 2012, "Archaeological study of the site and complex of Sangbašt". Master's thesis. Isfahan University of Arts (Unpublished, in Persian).
- Musitbar, N. & Salehikakhki, A., 2016, *Historical Urban Stonework from the Ghaznavid era*. Farhangestan Honar Publications (in Persian).
- Pope, A., 2008, *A Study of Iranian Art*. Vol. 3, Translated by: Noushindakht Nafisi, Editor: Arthur Pope and Phyllis Ackerman, Tehran: Scientific and Cultural Publications, Pp: 1487-1592 (in Persian).
- Pope, A. & Ackerman, Ph., 2008, *A Study of Iranian Art*. Vol. 8, Tehran: Scientific and Cultural Publications, Pp: 1487-1592 (in Persian).
- Salehikakhki, A. & Musitbar, N., 2012, "Research on recognition of Arsan Jazeb Collection in the Ghaznavid Period in Sangbašt". *Historical Research*, Vol. 48, New Period, Year 4, No. 16, Pp: 120-103 (in Persian).
- Samarkandi, D., 2003, *Tazkerat al-Shoara*. Editor: Edward Brown, Tehran: Myth Publications (in Persian).
- Sourdel, D. & Sourdel, J., 1979, "A propos des monument de sangbašt". *IRAN*, Vol: 7, Pp: 102-114.
- Zahirinishbouri, Z., 1332, *Seljuknameh*. Tehran: Kalleh Khavar Publications (in Persian).